

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد آصف فقیری

۰۲ جون ۲۰۲۴



محمد آصف فقیری

اداره جهان و جهانداری قدرت ها، در کشورهای جهان سومی چگونه است؟

اولاً قدرت های جهان اول را که تقدیر نویس جوامع عقب مانده چون کشورهای جهان سوم می شوند ، در ژرف نگری این سؤال قرار دهیم تا چگونه جهان اول شده اند؟ و یا تمامی اداره امور جهانی در پشت دروازه های بسته اداره می شوند؟ که در مبانی اداره جهان کتاب های زیاد نوشته شده که به دور از منطق و استدلال هستند. و به مثابه افسانه ها می ماند. زیرا در کشورهای جهان اول که سازنده آن جمعیت و اکثریت نخبه در جمعیت عبارت از ملت اند که دولت را تأسیس، پاسخگو و مسؤول کرده اند و شاهد این مورد نیز هستیم، که مجریان قدرت را، در جوامع نخبه فشار افکار عمومی در جریان تفکیک قواء، عزل کرده می باشد.

پس اداره جهان شایعات است که برای اعضای جامعه توده بی نهایت خطرناک بوده، زیرا اضطراب و استرس از نیستی یا پوچ و یا از افکار تُهی معنی در وجود انسانی حاکم می شود. و این چنین شایعات در واقع مسبب ترویج افراطیت می گردد، که حتی متحجران به این باور اند، که کسانی که جهان را، اداره می کنند شیطان پرستی نیز جزء کارکردشان بوده که شیطان نیز برای پیروان خود، خود را عریان کرده و در طبیعت آنها، شیطان را می بینند. و بعضی نیز در ترویج شیطان پرستی در کشورهای اسلامی کار می کنند... و سازمان ملل متحد، سازمان کار و دیگر سازمان ها، ابزار های شان هستند. در حقیقت این نوع افکار بی نهایت زنده و خطرناک بوده، ولی این که رویکرد قدرت ها در جوامع جهان سومی استخباراتی است، مسؤولیت برمی گردد در نخست به مردم همان جامعه، که توده هستند و ملت سازی نمی کنند و در صورتی که ملت سازی نشود، دولت ملی و مردمی امکان ندارد که شکل بگیرد. از این جهت در فقدان حکومت مردمی قدرت ها، از مسیر استخباراتی اشراف پیدا می کنند. این اشراف استخباراتی به معنای اداره کردن کل جهان در پشت دروازه های بسته نیست.

حتی رویکرد استخباراتی نیز با نبوغ عقل و استدلال منطقی عربان در معنا می شود، به طور مثال: در حالی که در عربستان با مردم ما، طبق حقوق مهاجران برخورد نمی شود، اما ما به خاطر یک عرب یعنی بن لادن بیست سال شاهد حضور نظامی و جنگ نظامی امریکا در خاک ما می شویم، که پسا بیرون شدن امریکا خلاف بیرون شدن امریکا از ویتنام هفته وار پول نیز می دهد.

و یا استقلال کشوری در تمامیت ارضی قبول شده بین المللی، از مبانی حاکمیت ملی تعریف می شود، که نبود دولت ملی به مثابه عدم استقلال می باشد.

محمد آصف فقیری